

ضریح، نمادی از تجسم نور

مقدمه:

اماکن مذهبی در طول سالیان در مکاتب مختلف بشری هماهنگ با آداب و رسوم رایج همان دین و منطقه نقاط عطفی برای پیوند فیمابین انسان خاکی با عالم متافیزیک و نیروهای ماوراءالطبیعه بوده‌اند. هرچند این ارتباط، در فرهنگ‌های مختلف با آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد؛ اما آنچه به قطع می‌توان گفت: «اتصال با آنچه فراتر از چارچوب‌های فیزیک عالم ماده در این جهان می‌باشد می‌تواند جایگاهی از ماندگاری‌ای که برخاسته از فطرت انسان‌هاست را تامین نماید.»

ضریح در فرهنگ مسلمانان به عنوان نشانه‌ای از مضجع پیامبران و ائمه اطهار دارای ویژگی‌های خاصی است که به دلیل جایگاه صاحبان آن؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این مقاله سعی شده است با ذکر مصادیقی از این اماکن به تحلیل معماری و ساختار هنری ضریح پردازیم. توجه به بعضی از هنرهای رعایت شده در این اماکن به همراه بعضی از آداب زیارت می‌باشد که توجه به آن نیز دارای اهمیتی است که به آن اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: ضریح، نور، عالم ابدی، نشانه، ارتباط، سنت جایگاه زیارت در فرهنگ مسلمانان

زیارت به معنای دیدار یار جهت ارتقای حال روحی در صدر اسلام و در حیات و زندگی پیامبر اسلام توسط یاران و اطرافیان معنای اجتماعی خود را در میان مسلمانان باز نمود. اویس قرنی برای تشریف به حضور پیامبر از مادرش زمانی را خواست چون به دیدار پیامبر آمد به دلیل تنگی وقت موفق به دیدار پیامبر نشد و راه طی شده را بازگشت. پیامبر اسلام پس از بازگشت به شهر و باخبر شدن از حضور یکی از یارانش (اویس قرنی) این اتفاق را به اطرافیانش چنین بازگو کرد که «اویس نزد من است.»

هر چند این ملاقات در عالم فیزیک محقق نگشت اما برقراری زیارت دیدار آن چنان ماندنی صورت پذیرفت که اثبات نوعی فرهنگ اسلامی را محقق نمود. نوعی نگرش عرفانی در زیارت که بسیاری از مظاهر را سخت متأثر ساخت. به این معنا که عارف در پس همه‌ی ظواهر باطنی می‌بیند. به تعبیری، هر یک از موجودات عالم در نزد او نمادی از حقیقت است. از این رو تفکر و بیان نمادین زیارت از ویژگی‌های غالب فرهنگ زیارت است. برای روشن شدن موضوع در آداب زیارت می‌بینیم که «عارف» به حق ملجا و مقصد زیارت از شروط قبولی زیارت محسوب می‌شود و پس از آن است که می‌توان به اطمینان گفت که «زیارت» محقق شده است. عارف به هر سو می‌نگرد محبوب را می‌بیند. پس از رحلت پیامبر نیز در جامعه‌ی اسلامی قرب و منزلت زیارت اولیاء از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

این موضوع با توجه به فرهنگ اسلام منوط به زمان و مکان نمی‌گردد. بدین معنا که هر زمان ارتباط جلوه‌های معنوی متجلی گردد، زیارت نیز محقق شده است. از این رو در آداب زیارت می‌بینیم که گواهی‌دادن توسط زائر به زنده‌بودن و شنیدن سلام و حتی پاسخ سلام از سوی خواستگاه زیارت شونده، در شناخت حسی چه نقش مهمی را دربردارد.

شناخت حسی زیارت

حس یا حواس از وسایل و ابزار شناخت است. وقتی ما به دنبال دستیابی به یک مجموعه آداب و زیارت عارفانه هستیم، بی‌بردن به شناخت همه‌جانبه از مکان و زمان نیز ضروری است. بر طبق تحقیقات روان‌شناسی جدید، حس‌های دیگری، مانند حس تعادل و حس عضوی و حس حرکت وجود دارد که فرعی است. در مکتب حکومت الهی و معرفت نفس، وجود حواس باطنی در انسان



نیز اثبات شده است که به حواس پنج‌گانه‌ی باطنی مشهور است. در روان‌شناسی امروز، گاه از حس ششم یا حس باطنی یاد می‌شود که منظور الهامات درونی و دریافت حضوری از عالم را درمی‌یابد.^۱ اهمیت این موضوع در نظر فلاسفه‌ای همچون ارسطو چنین بیان شده است:

«من فقد حساً فقد علماً» (هر که فاقد نوعی از حس باشد فاقد نوعی از علم است).

از این رو حواس ابزار شناخت‌اند، اما تمام معارف انسانی را با حواس نمی‌توان دریافت. حس شرط لازم برای شناخت است نه کافی.

حواس انسان ابتدایی‌ترین وسیله‌ی ارتباط او با جهان مادر است و انسان از طریق حواس پنج‌گانه است که با جهان خارج پیوند برقرار می‌کند و بخش عظیمی از شناختش را از طریق حواس کسب می‌کند.

در شناخت حسی، صورتی از اشیاء در مواجهه و ارتباط مستقیم انسان با جهان خارج، یا به‌کار افتادن یکی از حواس پنج‌گانه، در ذهن منعکس می‌شود و آن‌گاه ادراک صورت می‌گیرد. مثلاً وقتی زائر می‌خواهد با یکی از مظاهر عالم ابدی که پیامبران و امامان معصوم (ع) می‌باشد، ارتباط برقرار نماید، چشم می‌گشاید و منظره‌ی مقابلش را می‌نگرد، تصویری از آن منظره در ذهنش پیدا می‌شود و انسان از انعکاس آن تصویر احساس خاصی حضوراً یا وجداناً در خود مشاهده می‌کند و آن را زیارت می‌نامد یا در درونش حالت دیگری را می‌یابد که آن را شنیدن و دعوت می‌توان نامید.

دریافت این احساس در زمان حیات با منشاء نورانی به دلیل ارتباط نورانی مستقیم عمیق‌تر صورت می‌گیرد و در عین حال پس از زمان حیات مادی برای آنان که از درک عارفانه بهره‌مند هستند این ارتباط محقق می‌شود.



توسل و ارتباط حسی با ضریح

انسان کامل در بُعد الهی او است. انسانی که جایگاه خلیفه الهی داشته و اکنون خواستگاه و چراغ هدایتی است برای مشتاقان‌اش. ارتباط با عالم غیب به ویژه در مکانی که فرشتگان در آمد و شدند بیانگر نوعی ارتباط با عالم ابدی است یا به عبارتی می‌توان حضور الهی را در آن فضا «حس» کرد و از نزول رحمت باری تعالی که از روح بلند صاحبان این اماکن نشأت می‌گیرد، بهره برد. در خلق فضای معماری این اماکن که از معماری قدسی الهام گرفته، مواجهه‌ی انسان با خدا و با ولی‌اش محقق می‌گردد. البته خداوند در همه جا هست، اما آنچه به اهمیت ویژه‌ی این اماکن مقدس می‌افزاید روح حاکم بر این اماکن می‌باشد که با وسیله قراردادن آن می‌توان به آیات الهی و مراحل



کمال دست یافت .

شیوه‌ی نگرش به معماری ضریح نه تنها به کلیت معماری آن بلکه به بُعد معنوی آن در بعضی از اجزاء آن نیز متجلی می‌شود و این امکان را فراهم می‌نماید تا آیات الهی در وجود زائر نیز متجلی گردد. بدین وسیله کمیت‌بخشی عناصر ضریح نیز خاطرات کیفی و ارتقای روحانی را در روح و جان آدمی به اوج شکوفایی می‌رساند. این دیدگاه توحیدی و کسب معنویت که در آداب زیارت به دست می‌آید نه تنها معماری ضریح و کلیت فضاهای اطراف را شامل می‌شود بلکه دربرگیرنده‌ی همه عناصر به وجود آورنده‌ی یک صورت معماری، از قبیل فضا و شکل و نور و رنگ و ماده هم هست. همه‌ی این موارد در شکلی واحد و متناسب با هنرهای تجسمی، در خلق یک اثر قدسی متجلی می‌شود.

هر چه این هنرهای تجسمی در حیطه‌ی دانش‌های قدسی و عالم غیب باشد در برقراری ارتباط فضای معماری خلق شده با آن جایگاه مقدس موفق‌تر است. مهم‌ترین بخش از دانش‌های فوق‌الذکر ارزش‌های کمی و کیفی زمانی و مکانی است که این نوع از فضاهای معماری را به خود تخصیص داده است. به یقین پیامبران و اولیاء به دلیل ارتباط متعالی با عالم غیب در تعریف مکان از حیث قدسی بودن آن بهره گرفته‌اند. عواملی همچون تحولات کیهانی و زمینی که شرایط دعوت برای پیوند این دو قطب را فراهم می‌نماید .

اشکال موجود در ضریح و قالب‌های ساختاری

با توجه به مصادیق ضریح در حال حاضر مهم‌ترین ضریح پیامبران که بتوان به آن اشاره نمود عبارتند از: ضریح پیامبر اکرم (ص) در مدینه، حضرت یحیی در کلیسای پطرس مقدس که پس از گسترش اسلام تا منطقه شامات به مسجد جامع اموی تغییر نام داد، ضریح دانیال نبی در شوش و چهار پیامبران در شهر قزوین و بسیاری از پیامبران دیگر که عمده‌ی آنان در سرزمین ایران به دلیل احترام و جایگاه ویژه در فرهنگ ایرانیان دارای ضریح می‌باشند .

پس از آن ضریح امامان معصوم (ع) می‌باشد که نزد شیعیان دارای احترام بوده و دارای ضریح‌هایی با ارزش هنری بالا می‌باشند. بخش دیگری از ضریح‌ها مختص امامزادگان یا اولیاء الهی هستند که علاوه بر سادگی شبکه ضریح گاهی اوقات به دلیل استفاده از هنرهای منطقه‌ای و

شود و برای آن دسته از انسان‌هایی که می‌خواهند به این معرفت دست یابند از طریق نشانه‌های مادی و مضامین هنر متعالی این فضا ممکن می‌گردد.

یکی از این نشانه‌ها ضریح یا نشانه‌هایی است که در اماکن مقدس مذهبی به عنوان زیارتگاه مسلمانان تعریف می‌شود و در طول تاریخ مورد توجه فرهنگ مسلمانان بوده است. این مکان در پرورش و ارتقای احساسی و معنوی انسان‌ها نقش سازنده‌ای را ایفا می‌نماید که بهترین نقش آن با رعایت اصول و مبانی آداب و رسم زیارت و عبادات برای خلق فضای مناسب زائر فراهم می‌گردد .

ضریح و نقش آن در تقویت معرفت کمال یابی

زیارتگاه به طور اعم و ضریح به طور اخص، تصویری از حضور یک



استفاده از هنر متعالی در ضریح



مآخذ: مجله کلک خیال، شماره ۴، بحث نور و خیال



بومی دارای ارزش‌های منحصر بفرد هنری می‌باشند. برای شناختن عناصر تشکیل دهنده‌ی ضریح آشنایی با مهم‌ترین شبکه‌های موجود ساخته شده ضروری است که در این قسمت به بخشی از آن می‌پردازیم. قبل از آنکه شبکه‌های ضریح به شبکه‌های نقره‌ای تبدیل شوند از شبکه‌های فولادی استفاده می‌شد که به تدریج به دلیل مقاومت و زیبایی و اصول پایداری به آبکاری یا ریخته‌گری با نقره تبدیل شد. مهم‌ترین قسمت‌های تشکیل دهنده‌ی ضریح عبارتند از:

۱- پایه سنگی (پای کار) : این قسمت به دلیل اتصال شبکه‌ی سطح زمین از جنس سنگ و دارای تزئینات تراشکاری می‌باشد.

۲- ستون‌ها و چارچوب اصلی: تشکیل شده از عناصر سازه‌ای ضریح که بعضی از این ستون‌ها با مقاومت بیشتر نگهدارنده‌ی سقف و بقیه عناصر ضریح می‌باشند.

۳- محرابی‌ها: در ترکیبات نماهای ضریح در بعضی از اماکن ضمن رعایت اصول زیبایی تقسیم بندی فیما بین ستون‌ها با محراب‌هایی آراسته شده است. این بخش از تقسیم بندی علاوه بر ایجاد برقراری ارتباط حسی و معنوی بیشترین سطح از ضریح را شامل می‌شود.

۴- شبکه‌های ضریح: این شبکه‌ها علاوه بر دارا بودن زیبایی برای عبور روشنایی و امکان تقویت بصری به داخل ضریح دارای تنوع‌هایی است که در بعضی از تصاویر نمونه‌های بدیع آن را می‌بینیم.

۵- کتیبه‌ها: حد فاصل محراب‌ها و تقسیم‌بندی سقف کتیبه‌ها می‌باشند. کتیبه‌ها معمولاً با هنر قلم‌زنی

یا ترکیب با هنر منبت‌کاری می‌توانند با مضامین مربوط به آیات قرآن کریم، روایات یا شعر آمیخته شوند.

۶- پرطاووسی‌ها: یا تزئینات بالای کتیبه‌ها به دلیل تنوع اشکال اغلب ترکیبی از صفحات ترنج، اسلیمی و ترکیب شده با اسماء جلاله می‌باشند که به صورت میناکاری دیده می‌شوند.

۷- سقف‌ها و کتیبه‌های سقف: این سطوح بنا بر طرح موجود ترکیبی از مجموعه پوشش‌های مخملی یا قلم‌زنی می‌باشد. این مورد در ضریح حرم حضرت معصومه کاملاً به صورت قلم زنی و با سطح شیب‌دار دیده می‌شود در صورتی که در بسیاری از ضریح‌ها این سطح با کم‌شدن پلکانی مسطح طراحی و اجرا شده است.

۸- درب ضریح: این عنصر معماری نیز هنرمندانه در ضریح‌ها بنا بر اندازه‌ی صندوقچه طوری جانمایی می‌شده که در آکی نما یا گوشه‌ای از ضریح به طوری قرار گیرد تا امکان ورود به فضای داخلی ضریح امکان پذیر باشد.

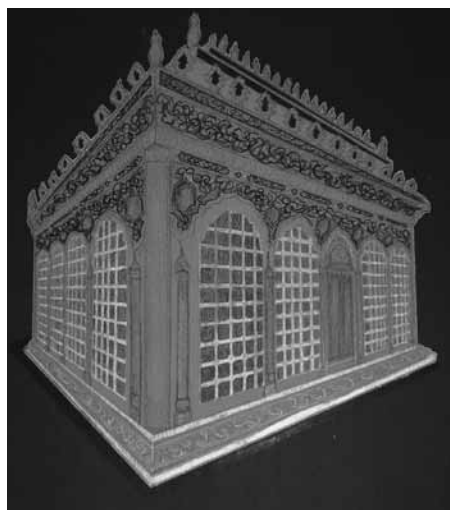
در ساخت نسل جدید ضریح‌ها به دلیل امکان نصب قفل‌های کنترلی

درب می‌تواند از مجموعه عناصر ضریح حذف شده و تبدیل به شبکه‌ی متحرک شود که در داخل یکی از محراب‌ها جانمایی شود.

بهره‌گیری از نور به عنوان عنصر نمادین ضریح در ساختارهای جدید

با توجه به جایگاه ویژه زیارت در فرهنگ مسلمانان و ارتباط حسی و عقلی با نقاط عطف اماکن مقدس عناصر نمادین ارزش ویژه‌ای پیدا می‌کند. از مهم‌ترین این عناصر بهره‌گیری از نور است. «نور خیال در هنر قدسی متصل به نفس قدسی هنرمند و عالم غیبی و قدسی است.»^۲ از این‌رو هنرمند در مسیر شکل‌دهی به اجزای هنری ضریح می‌تواند توسط نور در معرفی ویژگی‌های برتر آن جایگاه موثر باشد.

« از طرف دیگر معماری اسلامی، به ویژه در ایران زمین، تاکید خاصی بر نور دارد. در داخل یک مسجد انگار که درون صور مادی تبلور یافته است. چنان‌که همواره آیه‌ی شریفه نور را در قرآن به انسان مومن یادآور می‌شود.» (الله نور السموات و الارض) حکمت اشراقی سهروردی در ایران بیش از هر جای دیگر اشاعه یافت.



ترکیبی از نمایش هنرهای تزئینی در کتیبه‌های ضریح

- ۶ - ویژگی منحصر به فرد معماری اسلامی نوین در فضاهای مقدس.
- ۷ - تغییر ساختاری شبکه‌ها برای اولین بار در ساخت ضریح شکل گیرد.
- ۸ - استفاده از شبکه‌های نقره مدرن و استفاده از نقاطی که از لحاظ عملکردی مناسب باشد.
- ۹ - استفاده از نورپردازی
- ۱۰ - مخفی کردن درب با توجه به رعایت موارد ایمنی و سری.
- ۱۱ - استفاده از نقوش ارزشمند نگارگری شیعه
- ۱۲ - بهره‌گیری از سنگ‌های قیمتی و جواهرآلات در ارتفاع مناسب
- ۱۳ - استفاده از نقوش گرافیکی مناسب در پر طاووسی‌ها.
- ۱۴ - سیر صعودی در طرح و تاکید بر معنا و مفهوم مقدس طرح‌های حجمی.
- ۱۵ - استفاده از نقوش گرافیکی و نگارگری ماهیان در نقره کاری‌های بالای دست.
- ۱۶ - به حداقل رساندن پایه‌ها بدلیل استحکام و تامین تقویت شبکه‌ها با مصالح روز.
- ۱۷ - ضریح برای ملائک به منظور مکان تردد ملائک و زیارت عرشیان.
- ۱۸ - استفاده از نورپردازی در اوقات شرعی و مناسبت‌های ویژه اعیاد و سوگوای.
- ۱۹ - القای مشخصات منحصر به فرد ویژگی‌های مقام و شخصیت آن ضریح
- ۲۰ - استفاده از نماد بال فرشتگان و نمادهای ماوراءالطبیعه.

پانویست‌ها:

- ۱- مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، تفسیر سوره نور (تهران، صدرا ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۴، ج ۸، ص ۱۹۰)
- ۲- مجله کلک خیال، شماره ۴، بحث نور خیال، ص ۱۴
- ۳- پیشگفتار سید حسین نصر در کتاب ص وحدت

نور عمده‌ترین مشخصه‌ی معماری ایران است، نه فقط به مثابه عنصری مادی بل همچون نمادی از عقل الهی و همچنین وجود نور جوهری معنوی است که در درون غلظت ماده نفوذ می‌کند و آن را تبدیل به صورتی شریف و شایسته می‌سازد که مناسب محل زندگی نفس آدمی است.

نفسی که جوهره‌اش در عین حال ریشه در عالم نور دارد، عالمی که چیزی جز عالم روح نیست.^۳

تجلی این نور در مرکز و طواف به دور آن بازتاب عرش الهی است. هر چه این بازتاب در تزئینات قدسی شبکه‌های ضریح، نقره‌کاری‌ها، قلم‌زنی‌ها و نقوش آمیخته با کلام و مضامین وحیانی عمیق‌تر باشد هنرمند قدسی در جایگاه خود در خلق اثر ماندگار قدسی نقش بهتری ایفا کرده است.

حضور الهی در آرامگاهی که نشان از خلیفه‌اللهی دارد، برای نمایش وحدت فیما بین زمین و آسمان می‌تواند بهترین الگو باشد. وحدتی که همه‌ی غنای عالم را به تنهایی داراست. در این راستا هنرمندی که بتواند وحدت را در کثرت هنرها و بازگشت کثرت هنرها به وحدت متجلی نماید توانسته است به اصول ماندگار خلق معماری فضای زیارت موفق باشد. این مسیر تنها با به‌کارگیری از همه نقوش‌ها و نگاره‌های کلیشه‌ای که در عناصر تزئینی برای مدت زمانی رایج بوده، محقق نمی‌شود بلکه با پی‌بردن به اصول حاکم بر شکل‌گیری این هنرها و دلایل قدسی بودن آن می‌تواند در خلق هنر قدسی بدرخشد.

ویژگی‌های ساختار طراحی ضریح

- ۱ - توجه به مقام پیامبران جهانی وائمه
- ۲ - استفاده از پیام هنری در چهار کنج ضریح و استفاده ایده‌های نوین
- ۳ - طراحی ارکان ویژه در طرح‌های کنج ضریح.
- ۴ - استفاده از نقش میناکاری در بالای ضریح‌های با طرح‌های ویژه و خلاق
- ۵ - بهره‌گیری از امتداد بصری در شبکه‌های کنج‌ها و معرفی هنری سقف‌ها.